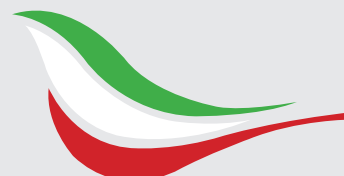


کنکاش در خاطرات انقلابی ۲ معتمد محله مشهدقلی

ساواک با تمام وحشیگری اش در برابر مردم کم آورد



می شنیدیم. مردم می گفتند امام خمینی از طریق نوار کاست و اعلامیه، مردم را از ظلم و ستم شاهنشاهی آگاه می کند اما باز هم کسی نبود که این حرف ها را دقیق و کامل برایمان توضیح بدهد. روزها گذشت تا اینکه یک شب، یکی از دوستانم به من گفت در مشهد، روحانی ای به نام احمدی در خانه اش جلسات تفسیر قرآن برپا می کند، یک شب بیا برویم به خانه اش، ببینیم این جلسات چگونه است. شب بعد به مشهد آمديم و به خانه حاج آقا احمدی رفتیم. بعد از تفسیر، حاج آقا احمدی از امام خمینی برایمان گفت و از حرف ها و

«حاج آقا احمدی، انقلاب را
به مشهدقلی آورد

«روزهای انقلاب را خوب به یاد دارم. انگار همین دیروز بود. جوان بودیم و پرشور و شور. از صبح می رفتیم تظاهرات، شب برمی گشتیم.» محمد محمدزاده جمله اش را که می گوید، سرش را پایین می اندازد و دست هایش را در هم گره می زند و دوباره رشته کلام را به دست می گیرد: «آن روزها در مشهدقلی همه کشاورز بودند و از همین راه امرار معاش می کردند و کمتر از سیاست اطلاع داشتند. کم کم زمزمه های انقلاب را از گوشه و کنار



حاج آقا احمدی
از امام خمینی
برایمان گفت
و از حرف ها و
اعتقادات ایشان
خیلی خوشم
آمد

منشادی - با فرارسیدن دهه فجر، یادآوری روزهای انقلاب و شور و حال مردم برای افرادی که در آن روزها نبودند، حال و هوای آن روزها را زنده می کند. خاطرات تلخ و شیرینی که از زبان جوانان آن زمان که اکنون پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها و معتمدان محل شده اند، بسیار دلنشین است.

یکی از جذابیت های دهه فجر نقل همین خاطرات است: خاطراتی که از زبان مردمی نقل می شود که خودشان یک پای انقلاب و پیروزی آن بودند. روزهای انقلاب در هر محله حال و هوای خاصی داشت. یکی از محله هایی که شور انقلاب خیلی زود به آن رسید، محله مشهدقلی بود. این هفته دفتر خاطرات انقلابی دویزرگ و معتمد این محله را که هر کدام به نوعی در انقلاب دستی بر آتش داشتند، مرور می کنیم.

